

پژوهش های ایرانی

درآمدی بر

شکل گیری مناسبات مدنی جوامع باستان و غلبه سلطه کوری

نگاهی به گذشته و چشم اندازی به آینده

رضا مرادی غیاث آبادی



تهران ۱۳۹۱

سرشناسه:
عنوان و نام پدیدآور:
مشخصات نشر:
مشخصات ظاهری:
فروست:
شابک:
فهرست‌نویسی:
موضوع:
موضوع:
موضوع:
موضوع:
رده بندی کنگره:
رده بندی دیویی:
شماره کتابشناسی ملی:

مرادی غیاث‌آبادی، رضا، ۱۳۴۲ -
درآمدی بر شکل‌گیری مناسبات مدنی جوامع باستان و غلبه سلطه‌گری:
نگاهی به گذشته و چشم‌اندازی به آینده / مؤلف رضا مرادی غیاث‌آبادی.
تهران: رضا مرادی غیاث‌آبادی، ۱۳۹۱.
۶۴ ص.
پژوهش‌های ایرانی
978-964-04-9132-4
فیپا
روابط اجتماعی -- تاریخ.
اقتدارگرایی -- تاریخ.
روابط اجتماعی -- ایران -- تاریخ.
اقتدارگرایی -- ایران -- تاریخ.
HM۱۱۱۱/م۴۵۴ ۱۳۹۱
۳۰۲
۳۰۲۸۰۰۴

درآمدی بر
شکل‌گیری مناسبات مدنی جوامع باستان و غلبه سلطه‌گری
نگاهی به گذشته و چشم‌اندازی به آینده

تألیف و نشر: رضا مرادی غیاث‌آبادی

✦
لیتوگرافی و چاپ
طاووس‌رایانه / نقش‌طاووس

چاپ نخست ۱۳۹۱
۱۱۰۰ نسخه

✦
همه حقوق محفوظ

نشانی صندوق پستی ۳۵۵-۱۳۱۴۵ تهران

تلفن پخش ۴۴۱۷۶۱۱۰ (۹۸۲۱)

www.ghiasabadi.com / reza@ghiasabadi.com

شابک ۴ ۹۱۳۲ ۰۴ ۹۶۴ ۹۷۸

۴۰۰۰ تومان

از همین نویسنده

- فرهنگنامه عکس ایران، چاپ سوم، ۱۳۸۹
- نقشه باستانی ایران، چاپ چهارم، ۱۳۸۶
- نگاره‌های پیش از تاریخ ایران، ۱۳۷۶
- منشور کوروش هخامنشی، چاپ هشتم، ۱۳۸۸
- نیشته‌های پارسی باستان، ۱۳۷۷
- بیستون، کتیبه داریوش بزرگ، چاپ سوم، ۱۳۸۴
- رصدخانه خورشیدی نقش‌رستم، ۱۳۷۸
- رصدخانه نیمروز، ۱۳۷۸
- نخت‌جمایده بنای میهنی ایرانیان و انجمن همپرسی ملی، چاپ سوم، ۱۳۸۹
- کتیبه‌های هخامنشی، چاپ چهارم، ۱۳۸۶
- مجموعه مقاله‌های پژوهش‌های ایرانی، (شماره ۱)، ۱۳۸۰
- سرودهایی از اوستا، چاپ سوم، ۱۳۸۹
- نظام گاهشماری در چارتاقی‌های ایران، ۱۳۸۰
- نقش‌رستم و پاسارگاد، آرامگاه کوروش هخامنشی، ۱۳۸۰
- مجموعه مقاله‌های پژوهش‌های ایرانی، (شماره ۲)، ۱۳۸۱
- ایران، سرزمین میهنی آریاییان، چاپ سوم، ۱۳۸۴
- اوستای کهن و فرضیاتی پیرامون نجوم‌شناسی بخش‌های کهن اوستا، چاپ دوم، ۱۳۸۹
- ستاره‌شناسی تمدن‌های کهن (ممکاری)، ۱۳۸۳
- راه شیپور، ۱۳۸۲
- بناهای تقویمی و نجومی ایران، ۱۳۸۳
- خانه مادریزگ، ۱۳۸۳
- راهنمای زمان جشن‌ها و گردهمایی‌های ملی ایران باستان، چاپ دوم، ۱۳۸۷
- زادروز فردوسی، ۱۳۸۴
- جشن‌های مهرگان و سده، ۱۳۸۴
- نوروزنامه، پنجاه گفتار در زمینه پژوهش‌های ایرانی، ۱۳۸۶
- تمدن هخامنشی، چاپ دوم، ۱۳۸۹
- کتیبه خارک در خلیج فارس، ۱۳۸۸
- اسپیت‌نامه، بیست و دو گفتار در زمینه جشن‌ها و پژوهش‌های ایرانی، ۱۳۸۸
- چارتاقی‌های ایران، ۱۳۸۹
- ایران چیست؟ طرح مسئله پیرامون نام‌های ایران، آریا و فارس، ۱۳۹۰
- فراهان‌نامه - نگاهی به فرهنگ و آداب و رسوم مردم فراهان، ۱۳۹۰
- درفش‌های اورارتویی آذربایجان، ۱۳۹۱
- فرهنگنامه ایران باستان، ۱۳۹۱
- گوی بالدار (نشان خورشید، شاهین و اهورامزدا)، ۱۳۹۱

به آرمان، همبستگی و همزیستی میان تمامی مردمان تنم کشیده

دردهای ما برقرار خواهد بود تا زمانی که از شخصیت‌های تاریخی، قهرمان‌های خیالی می‌سازیم و آنانرا به سرای نقدناپذیری و مطلق‌اندیشی سوق می‌دهیم. آنان که ما را بر سر دار بردند و باز هم خواهند برد، بت‌های مقدسی هستند که خودمان با تحقیر و تخریب هر کسی که قصد نقد آنها را داشت، ساختم و برداختیم.

فهرست

پیشگفتار	۹
----------	---

بخش نخست

مناسبات مدنی و سیر تطور نظام‌های اجتماعی

۱- دوران پارینه‌سنگی و میان‌سنگی	۱۳
۲- دوران نوسنگی و مس	۱۶
۳- دوران مفرغ و آهن	۱۹
۴- دوران تاریخی	۲۴
۵- دوره معاصر (عصر موتور)	۳۲

بخش دوم

بنیان‌های دوام سلطه‌گری

۱- کلیات	۳۷
۲- نیروی ثروت و ناهنجاری‌های ناشی از آن	۴۰
۳- نیروی سلاح و ناهنجاری‌های ناشی از آن	۴۴
۴- نیروی مذاهب ساختگی و ناهنجاری‌های ناشی از آن	۴۷
۵- نیروی تاریخ- ملیت و ناهنجاری‌های ناشی از آن	۵۱

بخش سوم

نتیجه‌گیری و چشم‌اندازی به آینده

نتیجه‌گیری و چشم‌اندازی به آینده	۵۷
نمودار ناهنجاری‌های ناشی از سلطه	۶۲

پیشگفتار

در هجده سال گذشته به مطالعات ایرانی و ایران‌شناسی و کندوکاو در گذشته‌های دور پرداخته‌ام. همواره کوشش کرده‌ام که این نوشته‌ها و بررسی‌ها صرفاً با رویکرد دست‌یابی به واقعیت‌های دوران گذشته باشد و ایران‌شناسی را تبدیل به خیال‌پردازی تاریخی و یا تبدیل به یک مکتب و ایدئولوژی ناسیونالیستی تمامیت‌خواه که در ذات خود گرایش شدید و انکارناپذیری به سوی فاشیسم دارد، نکنم. اما اکنون گمان می‌کنم که بهتر است تجربه‌ها و داده‌های تاریخی را چراغی برای آینده کنیم. و مت آن است که سرنوشت تلخ و دردناک انسان را تحلیل و بررسی کنیم تا بلکه با یاری آن چشم‌انداز روشن‌تری به آینده و به افق‌های پیش رو بگشاییم. شاید بیش از هر زمان دیگری نیاز داشته باشیم که دستاوردهای فعلی مطالعات باستانی و تاریخی را صرف نقد رفتارهای امروزی خود کنیم. با این هدف که اشتباه‌های تاریخی را بشناسیم و از تکرار آنها دوری کنیم. باشد تا با آرمان‌ها و کوشش‌های همگانی، هنگامی که چشمان فرزندان فردای میهن را در ذهن خود مجسم می‌کنیم، در آنها بارقه‌هایی از شادی و آرامش و افتخار بباییم.

حدود ۵۵۰۰ سال بود که انسان در ایران به بند کشیده شده بود. در آن مدت دراز آهنگ و طولانی، هر آن کسی که به او وعده رفاه و آسایش و آزادی و عدالت و خوشبختی را داد، تنها بندهای او را محکم‌تر و زنجیرهای او را سخت‌تر نمود.

در طول آن مدت، بارها و بارها خیزش‌های مردمی و مصلحان اجتماعی علیه پادشاهان و سلطه‌گران پدید آمدند؛ اما همه آنها- بجز دورانی کوتاه و گذارا- بر اثر کمبود درک متوسط عمومی، خیانت خواص فریبگر و نادانی عوام فریب‌خورده به نابودی کشیده شدند و یا دچار تحریف و تباهی گردیدند.

آیا تحلیل و بررسی این دوران چند هزارساله و نقد رفتارها و عملکردها می‌تواند گره‌ای از این کلاف سردرگم را بگشاید و به کار جامعه امروز و فردا بیاید؟ پاسخ این پرسش

نامشخص است و البته اهمیتی نیز ندارد. آنچه اهمیت دارد، این است که بتوانیم در حد توان خود بدان پیردازیم و گام در جستجوی راه‌ها و راه‌حل‌ها بگذاریم. جستجوی راه‌های جدید و گام نهادن به دنبال مسیری که ممکن است چشم‌اندازی آرمانی را در افق خود داشته باشد، خود به تنهایی و به‌رغم تمامی پرتگاه‌ها و خطرات می‌تواند ارزشمند و دوست‌داشتنی باشد. مهم این نیست که بتوانیم به آن افق درخشان و آرمانی دست پیدا کنیم؛ بلکه مهم این است که برای رسیدن به آن کوشش خود را کرده باشیم.

نگارنده در این مجموعه گفتارها می‌کوشد تا آن بخش از رفتارهای متداول در جوامع و بخصوص جامعه ایرانی را که موجب عقب‌ماندگی‌ها و تباهی‌ها شده و خود محصول نظام کهن سلطه بوده است را با نگاهی به داده‌های تاریخی و باستان‌شناختی تحلیل کند. کوشش بر این است که به دور از حب و بغض‌های شخصی، و به دور از تعارف‌ها و تمجیدها و زبان‌بازی‌های متداول و مغرب، و نیز بی‌توجه به این واقعیت که ممکن است باستان‌پرستان و نژادگرایان یا چه کسانی از این سخنان دلگیر شوند؛ برخی از آنچه که لازم به نظر می‌رسد، بیان شود.

نگارنده در این گفتارها به دنبال بررسی صریح و واقع‌گرایانه گذشته، نقد امروز و چشم‌اندازی به آینده است. در نتیجه ممکن است برخی از سخنان مطابقت باورهای عده‌ای نباشد و حتی با آنها در تضاد باشد اما آنچه مسلم است، منظوری جز صراحت ناشی از صمیمیت و دل‌نگرانی در میان نیست. بیشتر به دمل‌های کهنه و چرکین جز با تیغ تیز و مرهم تلخ ممکن نمی‌شود. می‌شد که دست به تعریف و تمجیدهای متملقانه و معمول زد و خشنودی و حمایت همگان را جلب کرد. می‌شد هیچ ننوشت و عمر را به عافیت گذراند. اما این چنین عافیت، دوست‌داشتنی نیست.

رضا مرادی غیاث آبادی

اسفندماه ۱۳۸۹